

انتخاب‌های متعدد در عالم ذر

حضرت برای روشن شدن ریشه‌ی جحود و اهمیت آن توضیح می‌دهند:

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَوْ خَرَجَ الْقَائِمُ لَقَدْ أَنْكَرَهُ النَّاسُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًّا فَلَا يَلْبَثُ عَلَيْهِ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ فِي الذَّرِّ الْأَوَّلِ»

زمانی که حضرت قائم ظهور می‌کند، بسیاری از مردم او را انکار می‌کنند، چرا که حضرت در آن هنگام جوان است و سن طولانی با جوانی سازگار نیست. بسیاری او را نمی‌پذیرند و انکار می‌کنند، و تنها کسانی که مومن واقعی‌اند کسانی که در عالم ذر، پیمان ایمان را بسته و خداوند میثاقشان را محکم کرده است بر حضرت ثابت می‌مانند.

در اینجا، نکته‌ی مهم این است که دلیل انکاری که برای این افراد بیان شده، جوان بودن حضرت است؛ اما منظور صرفاً سن جوانی نیست، بلکه این جوان بودن در نسبت با عمر طولانی و انتظار مردم معنا پیدا می‌کند. یعنی برای کسانی که قرن‌ها انتظار کشیده‌اند، دیدن کسی که هنوز جوان است، بسیار عجیب و غیرمنتظره است و به همین دلیل، حضرت از این مثال استفاده کرده است تا نشان دهد که حتی منتظران واقعی هم ممکن است دچار تعجب و انکار شوند، چون تصور و انتظارشان از نحوه ظهور با واقعیت متفاوت است. بنابراین، این انکار صرفاً ناشی از ظاهر امر نیست و مربوط به کسانی است که خود را منتظر حضرت می‌دانند، نه کفار و نه پیروان سایر ادیان. این مثال، نشان می‌دهد که حتی در میان افرادی که ظاهراً به انتظار حضرت پایبندند، ممکن است عدم تطابق تصور و واقعیت باعث شک و انکار شود.

همچنین باید توجه داشت که در زمان گذشته، چنین چیزی واقعاً غیرعادی و شگفت‌انگیز بوده است مثلاً تصور اینکه انسانی پس از صدها سال هنوز جوان بماند، کاملاً غیرمنتظره و محیرالعقول بوده است. امروز با پیشرفت‌های علمی، شاید این امر کمتر تعجب‌آور باشد، اما در آن زمان شدت شگفتی و انکار بسیار بیشتر بوده و همین نکته باعث شده که حضرت آن را مثال بزنند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: همین افراد هستند که حضرت را انکار می‌کنند؛ چرا؟ چون چیزی می‌بینند که با انتظارشان متفاوت است. تنها کسانی بر ایمان خود باقی می‌مانند که در عالم ذر، از آن حضرت پیمان گرفته شده است.

در باب بعدی، حضرت درباره‌ی میثاق عالم ذر می‌فرمایند:

«كَانَ الْمِيثَاقُ مَا خُذَ عَلَيْهِمْ لِلَّهِ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَلِرَسُولِهِ بِالنُّبُوَّةِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ بِالْإِمَامَةِ فَقَالَ: أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيِّكُمْ وَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَ الْأَئِمَّةُ الْهَادُونَ أُنْتُمْكُمْ فَقَالُوا بَلَى فَقَالَ اللَّهُ أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

در روایت بعدی نیز آمده است :

«فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ فَقَالَ: عَرَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِيْمَانَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَكُفْرَهُمْ بِتَرْكِهَا يَوْمَ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ وَهُمْ ذُرٌّ فِي صُلْبِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

در اینجا باید به دو نکته توجه کرد:

نخست اینکه عالم ذر به معنای عالمی پیش از این جهان از نظر زمانی نیست. یعنی نباید چنین تصور کرد که پیش از آفرینش انسان‌ها، خداوند همه‌ی آن‌ها را جمع کرده و به صورت زمانی از آنان پیمان گرفته است. عالم ذر، ناظر به رتبه‌ی وجودی انسان است، نه زمان پیشین او. این عالم، مرتبه‌ای از وجود است که در بنیاد وجودی انسان حضور دارد؛ گویی همین اکنون نیز هست، اما نه در بُعد زمانی، بلکه در عمق وجودی انسان. در مباحث معرفت انتخاب نیز توضیح داده شده که انسان می‌تواند بنیان‌های وجودی و فکری خود را در همین جهان بیابد و به آن مرتبه از خود نزدیک شود؛ یعنی به حقیقت و ریشه‌ی وجودی خویش.

دوم اینکه در آنجا، عالمی وجود دارد که فراتر و برتر از این جهان است، جایی که تکثر معارف به شکل کنونی وجود ندارد؛ یعنی مفاهیم خداوند، پیامبر و امامت به صورت جداگانه و متکثر نیستند. اگرچه در روایات این مفاهیم به شکل جداگانه بیان شده، اما این بیان برای مخاطبانی است که ذهنشان محدود به این جهان است و توانایی فراتر رفتن ندارد. در آن عالم، توجه انسان، سؤال و پاسخ او همگی وجودی و حقیقی‌اند و در مرتبه وجود محض، دیگر خبری از تکثر مفهومی نیست. در این سطح، جهت‌گیری وجودی انسان، متناسب با آنچه می‌بیند، به صورت مستقیم به حقیقت متصل می‌شود و سؤال و پاسخ، همه در یک جریان واحد وجودی تحقق می‌یابند.

منظور این است که در عالم وجودی بالاتر، پیش از ورود انسان به این جهان و پیش از هر گونه فساد یا هبوط، انتخاب‌ها و جهت‌گیری‌های وجودی انسان به گونه‌ای کامل و حقیقی تحقق می‌یابد. مثالی که در روایت آمده، مربوط به خلق انسان توسط ملائکه است که می‌پرسند آیا او را مرد خلق کنیم یا زن، و خداوند پاسخ می‌دهد که بین خودش چه می‌خواهد. وقتی هنوز خلق نشده از چه کسی می‌پرسند که چه چیزی می‌خواهد؟! این وجودی است که فراتر از هبوط در این جهان است. ما در مرتبه‌ای که وارد این جهان می‌شویم این مرتبه وجودی در این نشئه است اما ما یک مرتبه‌ای هم داریم که قبل از خلق ما وجود دارد و در خیلی از روایات وقتی صحبت از انبیا و اولیا می‌شود منظور آن مرتبه بالاتر است. در این مرتبه، انسان می‌تواند جلوه‌های جمالی خداوند را بیشتر درک کند و به سمت زن شدن گرایش یابد، یا جلوه‌های جلالی خداوند را مشاهده کند و به سمت مرد شدن گرایش پیدا کند. این انتخاب‌ها، انتخاب‌های

وجودی هستند و بیانگر آن است که انسان پیش از ورود به این عالم، در مرتبه‌ای بالاتر، ظرفیت و جهت‌گیری خود را نسبت به حقیقت الهی و جلوه‌های آن به دست آورده است.

برخی گمان کرده‌اند که در آن جهان، انسان می‌تواند جزئیات زندگی دنیایی خود را انتخاب کند؛ مثلاً بگوید پدرم فلان شخص باشد یا شغلم چنین باشد. اما انتخاب در آن مرتبه از وجود، به این معنا نیست.

در واقع، در آن عالم، انتخاب انسان در سطحی بسیار بالاتر و وجودی تر رخ می‌دهد. توجه انسان به خداوند، میزان و کیفیت این انتخاب را مشخص می‌کند. گاهی این توجه مبهم و کلی است؛ یعنی انسان تنها می‌گوید: «می‌خواهم خدا را ببینم» و در همین حد از طلب باقی می‌ماند. چنین توجهی، انتخابی ضعیف و سطحی به شمار می‌آید. اما هر چه این توجه عمیق‌تر و روشن‌تر شود، انسان فاصله میان خالق و مخلوق را بیشتر می‌بیند و جلوه‌های گوناگون الهی را بهتر درک می‌کند.

کسی که همه این جلوه‌ها را می‌بیند، در واقع به حقیقت ائمه علیهم‌السلام نائل شده است؛ زیرا جلوه‌های الهی همان ائمه هستند. آنچه ما در این جهان از آنان به صورت جسمانی مشاهده می‌کنیم، مرتبه نازل و تجسم یافته همان حقایق برتر است. آن‌ها در این جهان زمانی به دنیا می‌آیند و زمانی فوت می‌کنند، اما حقیقتشان ورای زمان و مکان است. این یعنی وجود حقیقی آن‌ها فراتر از محدوده جسمانی و زمان دنیوی‌شان است.

این انتخاب، همان «انتخاب عالم ذر» است؛ انتخابی که در واقع همین الان نیز برای ما موجود است و متعلق به عالمی است که نه محدود به زمان است و نه به این جهان تعلق دارد. این انتخاب، وجودی و کامل است و هر انسانی که در آن مرتبه اولیه وجودی قرار گرفته، به صورت تمام و کامل این انتخاب را داشته است.

به زبان دنیوی، این یعنی کسانی که خداوند، پیامبر و ائمه را انتخاب کرده‌اند و این انتخاب تا روز قیامت نیز این انتخاب باقی می‌ماند.

حضرت می‌فرماید: **إِنْ شِيعَتْنَا لَمَكْتُوبُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَى آبَائِهِمْ**

یعنی شیعیان ما در علم خداوند با نام و مشخصاتشان ثبت شده‌اند. این ثبت نام‌ها نشان می‌دهد که انتخاب وجودی آن‌ها چه میزان کامل بوده و این انتخاب، هم کاملاً از جانب فرد و هم در علم خداوند معتبر و اثربخش است. آثار این انتخاب نیز در زندگی فرد و جهان پیرامونش نمود پیدا می‌کند و نشان‌دهنده پیوند تنگاتنگ میان انتخاب وجودی انسان و تقدیر الهی است.

«يَرُدُّونَ مَوْرِدَنَا وَيَدْخُلُونَ مَدْخَلَنَا»

آن‌هایی که انتخاب وجودی‌شان قوی و کامل است، به ما نزدیک می‌شوند و در شرایط دشوار آخرالزمان باقی می‌مانند. موضوع با مثالی روشن می‌شود: فرض کنید گروهی در یک مأموریت بسیار دشوار مانند کوهنوردی یا سفر اکتشافی به مانند کریستف کلمب برای کشف آمریکا شرکت می‌کنند. در آغاز، همه پرسیده‌اند که «آیا می‌خواهید با هم برویم؟» و همه با «بله» پاسخ داده‌اند، اما این «بله»‌ها یکسان نیستند.

هر فردی ظرفیت و استحکام متفاوتی دارد؛ برخی محکم‌تر و مقاوم‌تر هستند و برخی ضعیف‌تر. آن‌هایی که ضعیف‌ترند، در میانه مسیر کنار می‌روند و ادامه نمی‌دهند، اما آن‌هایی که محکم‌ترند، تا پایان مسیر باقی می‌مانند.

به همین ترتیب، در مسیر ظهور حضرت ولی عصر، افرادی که انتخاب وجودی‌شان کامل و قوی است، در سختی‌ها و مشکلات آخرالزمان باقی می‌مانند و نقش اثرگذار خود را ایفا می‌کنند، در حالی که کسانی که ضعیف‌ترند یا ظرفیتشان کمتر است، در این مسیر رها می‌شوند و از رسیدن به مرتبه کامل باز می‌مانند.